

دکتر میرجلال الدین کزازی

دمی
بی خویشتن،
با
خویشتن

(گذر و نگری بر نهانگرایی و راز آشنایی)



انتشارات معین

فهرست

۹	سخنی باخواننده
۱۵۳	خردِ وابسته
۱۹	سه گذار بزرگ
۲۱	کمخوارگی و شکمبارگی
۲۵	گذار به خدایی
۲۶	نمود و بود
۲۷	سایه و فروغ
۲۹	آستانه‌های پنجگانه
۳۲	رنگ و بیرنگی
۳۵	خواب و بیداری
۳۷	زنده بیدار و خفته مرده
۴۱	پرسمان شناخت
۴۲	روانسنجی
۴۳	زروان
۴۳	ناخودآگاهی و هنر

۴۷	حال
۴۸	کانونی شدن در خویشتن
۵۰	در آشکارگی، دوبارگی نیست
۵۲	نهانی ناگهانی، زیبایی و شکوه
۵۴	یادینه‌های سه گانه
۵۷	زینه‌ها و رده‌های شناخت
۶۱	رهرو ربوده
۶۲	ربوده رهرو
۶۴	شیفتگی
۶۶	رهاننده بزرگ و بی‌مانند
۶۸	جز من و من
۶۹	بیگانگی با خویشتن
۷۰	نوگرایی در هنر
۷۳	رؤیا
۷۳	گونه‌های ناخودآگاهی
۷۶	فرجامینه‌های آغازینه
۷۷	کهن‌ترین در نوترین
۷۸	هنرمند و درویش
۸۰	چینیان و رومیان
۸۱	رومیان و چینیان
۸۵	بیداری در خواب
۸۶	گونه‌های خواب

۸۹	کالبد اخترین
۹۰	مولانا و رشته سیمگون
۹۱	زیستن در کالبد اخترین
۹۳	پیکرینگی اندیشه
۹۵	دیگر کارکردهای اندیشه کانونی شده
۹۸	بوم‌زیستی از گونه اندیشه
۹۹	چیرگی بر خواب
۱۰۲	برون‌فکنی در بیداری
۱۰۲	رخداد
۱۰۶	رخداد خردآشوب
۱۰۷	گلگشت در جهان دیگر
۱۰۸	گلگشت مینوی
۱۱۱	گونه‌های زمان
۱۱۴	فالزنی: رایزنی با ناخودآگاهی
۱۱۶	فالزنی با دیوان حافظ
۱۱۹	پیرو و پیر
۱۲۴	ماه پیران
۱۲۵	هوز پیران
۱۲۸	آیه و پایه
۱۳۱	پایگان پایه
۱۳۱	خواست
۱۳۳	شیفتگی

۱۳۴	شناخت
۱۳۵	بی‌نیازی
۱۳۶	یگانه‌گرایی
۱۳۹	گذار در خدایی
۱۴۰	سرگشتگی
۱۴۱	نابودی
۱۴۴	گذار از خدایی
۱۴۸	یادداشت‌ها
۱۶۰	فرهنگ واژگان
۱۶۶	کتاب‌نما
۱۶۸	نمایه

سخنی با خواننده

کتابی که پیش‌اروی خواننده گرامی است، شاید شگفتی‌انگیزترین و هنگامه‌سازترین و چالش‌خیزترین کتابی باشد که من تاکنون نوشته‌ام. چالش و هنگامه و شگفتی، در این کتاب، به زمینه آن بازمی‌گردد که زمینه‌ای است رازآلود و مه‌آگین و کم‌شناخته؛ زمینه‌ای که آنچنان به ژرفی آزمودنی است که به روشنی، باز نمودنی نمی‌تواند بود و آنچنان به نابی دریافتنی است که به آشکارگی، بازگفتنی نه. زمینه این کتاب جهانِ نهان است، یا به سخنی نغز‌تر: **نهانِ جهان** و آنچه بر آدمی می‌گذرد، در پیوند با این نهان و جهان.

از آن روی که نهان یا مینوی هر کس تنها ویژه اوست و در گونه خویش یگانه است، به ناچار، پیوند هر کس با مینوی و نهانِ جهان پیوندی است دیگرسان و بی‌همانند. تنها از دیدی فراخ و فراگیر و با نگاهی نیک‌کلان‌نگر، می‌توان پیوندها و آزمون‌ها و دریافت‌هایی ویژه و دیگرسان و یگانه را که دریافتگران و آزمایشندگان و پیوندندگان در رویارویی با جهانِ نهان و نهانِ جهان داشته‌اند، در گونه‌ها و رده‌هایی گسجانبید و همانندی‌ها و همبستگی‌هایی در میان آنها یافت.

دشواری و تنگنا، هنگامی بیش ژرفا می‌گیرد و آزارنده و بازدارنده می‌گردد که بدان بیندیشیم که شماری اندک از مردمان با جهانِ نهان پیوند می‌توانند داشت و بدان آزمون‌ها دست می‌توانند یازید و نهانی‌های جهان را،

به یاری دریافت‌هایی دیگرسان و نابیوسان^۱، می‌توانند شناخت و سرانجام، با شناخت جهان نهران، به نهران جهان راهی می‌توانند گشود. این شناسندگان بختیار و کامگار و اندک‌شمار را به دو گروه، بخش می‌توانیم کرد: یکی کسانی که از توانی مادرزادی و خدادادی برخوردارند؛ توانی که آن را فراروانی یا فراهنجار^۲ می‌نامند. این گروه را که ناخواسته و بیشتر ناآگاه با جهان نهران در پیوندند، نهران‌آشنای می‌توانیم نامید. گروه دیگر آنانند که در سایه رنج و تلاشی پیگیر و پایدار و نستوهانه، در یکی از دبستان‌های درویشی و آیین‌های راز، شیوه‌ها و شگردهای شناختن جهان نهران و راه بردن به نهران جهان را آموخته‌اند و ورزیده‌اند. این گروه را که آگاهانه و بخواست بدین جهان راه می‌توانند برد، نهران‌گرای نام می‌توانیم نهاد. در این کتاب، من کمابیش تنها بدین گروه دوم پرداخته‌ام و اگر یادی از گروه نخستین آورده‌ام، در پیوند با این گروه بوده است؛ هرچند، در بخش‌هایی گسترده از کتاب که در آنها به توان‌ها و رفتارهای فراسویی و فراهنجار پرداخته‌ام، نهران‌گرایی آنچنان با نهران‌آشنایی در پیوند بوده است و همانند که شناخت یکی، به ناگزیر، شناخت دیگری را در پی خواهد آورد.

من خود می‌دانم که هرآینه، در کتاب، از پدیده‌ها و آزمون‌ها و رویدادهایی سخن رفته است که در چشم خواننده ناآشنا با جهان نهران، بسیار شگفتی آور، حتی خردآشوب و اندیشه‌کوب، می‌تواند نمود؛ اما چه باک؟ اگر این کتاب، کتاب **دمی بی‌خویشتن با خویشتن**، بتواند این خواننده شگفت‌زده خردآشفته را به درنگ و اندیشه وادارد تا مگر راهی نو، در شناخت جهان و آشنایی با رازهای پرشمار نهفته آن، فراروی وی بگشاید، کتاب سود و بهره‌ای را که می‌باید، داشته است و نویسنده، در نگارش آن، کامگار بوده است و به خواست و آماج خویش رسیده است.

۱. نابیوسان: غیرمنتظره.

۲. فراهنجار: Paranormal.

باشد که **دمی بی‌خویشتن با خویشتن** که دستاورد اندیشه‌های این دوستار، در نهران‌گرایی و درنگ‌های او بر رازآشنایی است، از سوئی، خواننده ناآشنا را کارساز و سودمند بتواند افتاد و از دیگر سوئی، خواننده آشنا را، نهران‌واز و دلپسند! ایدون باد!

میرجلال‌الدین کزازی

بهمن ماه ۱۳۹۲